



آموزش مدرک محور

مشغول آماده کردن خود برای گذراندن کنکور کارشناسی ارشد هستند. این برای من قابل درک نبود که چرا کسی که به رشته تحصیلی خود علاقه ندارد می‌خواهد به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد بپردازد؟! آیا دلیل آن می‌تواند چیزی غیر از مدرک‌گرایی شدید، یعنی توجه به «عنوان» مدرک یک رشته بدون کسب مهارت در آن، باشد؟

در کشور ما، هزینه‌های سنگین تحصیلات عالی، تحمل آن را برای بسیاری از خانواده‌ها دشوار ساخته است. پس، آیا بهتر نیست که افراد پس از پایان یک دوره دانشگاهی مدتی به کار در آن زمینه مشغول شوند و سپس برای کسب اطلاعات و مهارت بیشتر به تحصیل در مقاطع بالاتر بپردازند تا آموزش مورد نظر بهترین کارآیی را برایشان داشته باشد؟ متأسفانه، آموزش‌های کنونی در کشور ما، در تمام مقاطع، بیشتر برای کسب مدرک است بدون آنکه به مهارت لازم مربوط به آن توجه کافی شده باشد. نتیجه آن پیدایش مؤسسه‌هایی است که امکان کسب این مدارک را برای افراد فراهم می‌سازند؛ یعنی برای آن‌ها پایان‌نامه و حتی مقاله‌های ISI می‌نویسند تا بتوانند پست‌هایی را اشغال کنند که صلاحیت آن‌ها را ندارند و نمی‌توانند وظایف مربوط به آن را به درستی انجام دهند. حاصل این روند، آن می‌شود که با آمارهایی روبه‌رو می‌شویم که نشان از پیشرفت‌های شگرف در زمینه‌های مختلف دارند ولی تجلی این پیشرفت‌ها را نمی‌توانیم در جامعه مشاهده کنیم.

بنابراین، اکنون که خوشبختانه این مسئله مورد توجه مسئولان قرار گرفته و در برنامه درسی ملی بر آن تأکید شده است، توجه همه‌جانبه معلمان به آن و تلاش در جهت اجرایی شدن هر چه بهتر آن، وظیفه همه فرهنگیان است. بدون شک اجرایی شدن صحیح این برنامه امکان استفاده بهینه از نیروی انسانی ارزشمند کشور را که بزرگ‌ترین سرمایه آن است، فراهم می‌سازد.

یکی از موارد مهمی که در برنامه درسی ملی بر آن تأکید شده «آموزش مهارت» به دانش‌آموزان است؛ به طوری که بتوانند پس از پایان دوره متوسطه دوم توانایی لازم برای انجام کار مناسب را داشته باشند. بدیهی است که عملی ساختن این مهم مستلزم تجهیز مدارس به وسایل لازم و نیز تأمین نیروی انسانی مناسب برای آموزش این نوع مهارت‌هاست که در صورت عزم جدی برای این کار انجام آن نباید چندان دشوار و دور از دسترس باشد.

اکنون بسیاری از افرادی که در جامعه ما به کارهای فنی اشتغال دارند آن را به صورت استاد-شاگردی و اغلب بدون گذراندن دوره‌های مخصوص آموخته‌اند و اطلاعات چندانی درباره چگونگی ارتقای کیفیت مهارت خود ندارند، در صورتی که در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته انجام هر نوع کار فنی نیازمند داشتن گواهی لازم برای انجام آن کار است.

بدون شک هدف از هر نوع آموزش، ارتقای کیفیت زندگی افراد ماهر و بهینه‌سازی بهره‌گیری آن‌ها از امکانات موجود است. اما، نکته‌ای که باید مورد توجه خاص قرار گیرد تغییر فرهنگ جامعه برای ارج نهادن به «انجام خوب هر نوع کار و جدی گرفتن کارهای فنی» است. تجربه ناموفق تقسیم شاگردان دبیرستان به دو گروه در سال آخر و عدم تمایل دانش‌آموزان برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نشان داد که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها مایل به ادامه تحصیل و رفتن به دانشگاه هستند. متأسفانه، این روند با گرفتن مدرک کارشناسی هم پایان نمی‌پذیرد و دانشجویانی با مدرک کارشناسی، که چندان کارشناس هم نیستند، می‌خواهند دوره کارشناسی ارشد و سپس دکترا را بگذرانند و در پایان نیز با بیکاری دست به گریبان شوند.

در دانشگاه با بسیاری از دانشجویان دوره کارشناسی روبه‌رو بوده‌ام که اغلب آن‌ها ضمن «مشروط بودن» که دلیل آن را علاقه نداشتن به رشته خود می‌دانستند، می‌گفتند